



تبیین سیاست‌های مقام معظم رهبری در مقابله با بحران‌های اجتماعی از منظر فرا تحلیل (مطالعه موردی: فتنه ۸۸)

علی اصغر ملیجی^۱ | احمد بخشایش اردستانی^{۲*} | محمد توحیدفام^۳ | اکبر اشرفی^۴

چکیده

نظام جمهوری اسلامی از آغاز زعامت مقام معظم رهبری تاکنون با بحران‌ها و حوادث متعددی مواجه بوده است که با مدیریت و درایت ایشان و حمایت و پشتیبانی مردم، بحران‌های به‌وجودآمده مهار و یا قبل از وقوع آن پیشگیری گردید. تاکنون مطالعات و تحقیقات متعددی درباره بحران‌های به‌وجودآمده در جمهوری اسلامی، از سوی پژوهشگران انجام و در نشریات معتبر داخلی منتشر شده است. عمده تحقیقات صورت گرفته معطوف به گرایش‌های بازخوانی، وقایع نگاری، تاریخی و تحلیلی بوده است. برخی از پژوهش‌ها نیز به نقش مقام معظم رهبری در مدیریت و مهار بحران‌های به‌وجودآمده در دوره زعامت ایشان پرداخته‌اند که بیشتر آن‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون بوده که به روش متن کاوی به استخراج و شناسایی مولفه‌های مدیریتی ایشان در مدیریت و مهار بحران‌ها اشاره داشته‌اند. لکن مقاله حاضر به دنبال ارزیابی مطالعات و تحقیقات قبلی در زمینه مدیریت مقام معظم رهبری در زمان بحران و سیاست‌ها و مولفه‌های مدیریت رهبری مورد تاکید این مطالعات برای مهار بحران است. روش پژوهش در این مقاله، روش فراتحلیل کیفی و با رویکرد فرا ترکیب می‌باشد. با بررسی حدود ۴۲ پژوهش منتشر شده در نشریات معتبر داخلی درباره بحران‌ها، یافته‌ها بیانگر آن است که پژوهشگران با تحلیل مضمون بیانات و مواضع مقام معظم رهبری درباره بحران‌ها، تعداد ۵۴ مولفه‌ی تاثیرگذار در مدیریت ایشان بر بحران‌ها را شناسایی، که در بین آن‌ها سه مولفه: «قانون‌گرایی»، «بصیرت و روشنگری» و «مردم‌گرایی» را به عنوان تاثیرگذارترین سیاست مقام معظم رهبری در مهار بحران‌ها، معرفی کرده‌اند که دارای بیشترین فراوانی بوده و از الویت برخوردار هستند.

کلیدواژه‌ها: رهبری؛ فراتحلیل؛ بحران؛ مدیریت بحران؛ انتخابات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری، مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. نویسنده‌ی مسئول: استاد، گروه اندیشه‌ی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ahmadbakhshi0912@gmail.com

۳. دانشیار، گروه مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴. دانشیار، گروه مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

بحران‌ها واقعیتهایی اجتناب‌ناپذیر در زندگی اجتماعی ملت‌ها است. بحران‌ها در ذات خود بستر شکل‌گیری تهدیدها و فرصت‌هایی هستند که بر حسب نوع، شدت و گستره‌ی محیطی بحران، می‌تواند نظام سیاسی و مدیران حاکم را در شرایط دشوار و پر مخاطره‌ای قرار دهند. با توجه به سطح، نوع، عمق و شدت بحران‌ها، آسیب‌پذیری جوامع نیز متفاوت خواهد بود. برخی از بحران‌ها تا سطح براندازی نظام‌ها نیز می‌توانند پیش بروند. (قائدی، ۱۳۸۲: ۳۱۷)

بحران‌های سیاسی و اجتماعی، شرایط غیر متعارفی است که معمولاً در ساختار سیاسی و اجتماعی یک کشور بروز می‌کند و بر حسب ماهیت، زمان، دامنه، شدت و نوع عوامل درگیر در آن شامل اشکال گوناگونی است. مثل مبارزه سیاسی گسترده و شدید بین احزاب و سازمان‌های سیاسی رقیب برای کسب قدرت، ایجاد اختلاف شدید بین جناح‌های مختلف حکومت، کودتای نظامی، اعتصابات دامنه‌دار کارگری و...، اعتراضات اجتماعی، شورش‌های خیابانی، درگیری‌های قومی و... بحران‌های سیاسی و اجتماعی ممکن است ابتدا در بستر ناآرامی‌ها و اعتراضات اجتماعی و سیاسی مسالمت‌آمیز و محدود شکل بگیرد، لکن به مرور با دخالت برخی عوامل محیطی داخلی و بیرونی دامنه و شدت آن گسترده و به خشونت و درگیری خیابانی کشیده شود. بنابراین بحران‌ها شرایطی‌اند که تدبیر، مدیریت، شجاعت، بصیرت و قدرت مواجهه با مسائل را از سوی رهبری نشان می‌دهد. هیچ مسئله‌ای به اندازه‌ی رهبری در زندگی اجتماعی انسان در تحولات گذشته‌ی تاریخ مورد مذاقه‌ی دانشمندان و نظریه‌پردازان سیاسی نبوده است. به تعبیر «افلاطون»، رهبری سیاسی نقش ناخدای کشتی را در دریای ناآرام بازی می‌کند که در پی هدایت کشتی به ساحل امن است. (گل محمدی، ۱۳۹۹: ۴۶) رهبری، نظام سیاسی را در شرایط آشفته به سوی اهداف خاصی رهبری می‌کند. این شرایط آشفته می‌تواند انقلاب، بحران و شرایط بی‌ثباتی ناشی از اعتراضات اجتماعی و... باشد. در واقع جوهره و مدیریت سیاسی رهبران در کنترل بحران‌ها خلاصه می‌شود. چرا که بی‌تدبیری و بی‌کفایتی رهبران در هدایت و کنترل بحران‌ها باعث سقوط و از بین رفتن یک کشور می‌شود. (گل محمدی، ۱۳۹۹)

نظام جمهوری اسلامی ایران، همواره مورد کینه‌توزی‌های دشمنان خارجی و داخلی بوده است به گونه‌ای که هر از چندگاهی با توطئه‌ها و ایجاد بحران‌هایی در صدد براندازی نظام

جمهوری اسلامی بر می آمدند. بحران‌هایی که نمونه‌های آن حتی در ابعاد کوچکتر در کشورهای دیگر باعث تغییر حکومت و ایجاد دولت‌های دست‌نشانده‌ی استکبار جهانی گردید. لکن این بحران‌سازی‌ها در جمهوری اسلامی ایران علیرغم حجم گسترده و شدت آن و استفاده از اشکال گوناگون نتوانسته است تا کنون خدشه‌ای به انقلاب اسلامی وارد کند. از سوی دیگر نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر جایگاه رهبری، دارای ظرفیت‌های بسیاری برای تحقق مدیریت کلان جامعه اسلامی، به ویژه در شرایط بحرانی است. بررسی و تبیین علمی و روشمند نقش رهبری انقلاب در مهار بحران‌ها، می‌تواند الگویی از مدیریت بحران‌های سیاسی، امنیتی و اجتماعی را در مواجهه‌ی زمامداران با آن، ارائه نماید. تاکنون پژوهش‌های انفرادی گوناگون و متعددی در زمینه نقش رهبری انقلاب در مدیریت و مهار بحران‌ها صورت گرفته است. از آنجایی که تاکنون این تحقیقات انجام شده به منظور بهره برداری صحیح‌تر و مفیدتر جمع‌بندی نشده و از منظر فرا مطالعه مورد بررسی و کنکاش قرار نگرفته‌اند، در این پژوهش تلاش می‌شود تا با روش فرا تحلیل کیفی مطالعات انجام شده در باره مدیریت رهبری در مهار بحران ۸۸ مورد بررسی و تبیین قرار گیرد. در همین راستا در این مقاله با بررسی مولفه‌های بحران و مدیریت بحران در مباحث نظری، چگونگی بحران به وقوع پیوسته به‌طور مختصر تشریح و سپس دربخش روش‌شناسی، روش فرا تحلیل و مراحل انجام آن تشریح و تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت خواهد گرفت. نهایتاً یافته‌ها و نتیجه‌گیری مباحث و پیشنهادات ارائه می‌گردد.

پیشینه تحقیق

آنچه که در طی سال‌های اخیر پیرامون بحران‌ها و رویدادهای به‌وجود آمده در جمهوری اسلامی و نقش رهبری انقلاب حضرت امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری در مهار آن‌ها مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است، بسیار محدود بوده است. بررسی آثار منتشر شده گویای آن است که عمده تحقیقات صورت گرفته معطوف به گرایش‌های بازخوانی، وقایع‌نگاری، تاریخی و تحلیلی بوده است و برخی از آثار هم به نقش مقام معظم رهبری در مدیریت و مهار بحران‌های به‌وجود آمده در دوره زعامت ایشان پرداخته‌اند که بیشتر آنها با استفاده از روش تحلیل مضمون، مولفه‌های مدیریتی رهبری در مهار بحران‌ها را شناسایی و معرفی نموده‌اند. لکن در این مقاله تلاش

می شود با بهره گیری از روش فراتحلیل، پژوهش های انجام گرفته در این زمینه مورد بررسی و کنکاش قرار گیرند.

جدول ۱: برخی از تحقیقات پیشین درباره نقش مقام معظم رهبری در مدیریت بحران‌ها

سال	پژوهشگر	عنوان تحقیق
۱۴۰۱	ملیجی - بخشایش - اشرفی - توحیدفام	بحران‌های اجتماعی، امنیتی و نقش رهبری در مهار آنها (مطالعه موردی: وقایع آبان ۹۸)
۱۴۰۰	رحیمی	مدیریت بحران‌های سیاسی، اجتماعی جمهوری اسلامی
۱۳۹۹	یوسفی	طراحی الگوی راهبردی مدیریت بحران امنیتی مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری (مورد مطالعاتی فتنه ۸۸)
۱۳۹۹	گل محمدی	بررسی نقش امام خامنه‌ای در مهار بحران‌های سیاسی، اجتماعی ۱۳۶۸-۱۳۸۸
۱۳۹۶	مرکز اسناد انقلاب اسلامی	نقش رهبری در مهار بحران ۱۳۸۸
۱۳۹۶	حسینی - علوی وفا	تبیین راهبردهای امنیت ساز حضرت امام خامنه‌ای در مقابله با چالش‌های فتنه ۸۸
۱۳۹۴	امیری	مدیریت رهبری جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با بحران‌های سیاسی
۱۳۹۴	سوری - حسینی	مدیریت مقام معظم رهبری در بحران‌های پس از انتخابات ۸۸
۱۳۹۴	محمدی	مدیریت بحران در جمهوری اسلامی ایران
۱۳۹۴	میرسیار	بررسی عملکرد نقش رهبری در مدیریت بحران پس از انتخابات سال ۱۳۸۸
۱۳۹۰	کرامتی	مجموعه سه جلدی با عنوان نقش رهبری در مدیریت بحران‌ها
۱۳۹۰	محمدی - معینی فر	اصول حاکم بر سبک مدیریت رهبر معظم انقلاب در کنترل و مهار بحران انتخابات ۸۸

چارچوب مفهومی و نظری

امروزه هیچ جامعه‌ای نمی تواند از بحران و پیامدهای آن مصون بماند. بنابراین مدیریت بحران‌ها بخش جدائی ناپذیر زندگی و لازمه‌ی توسعه پایدار کشورها می باشد. بحران‌ها شرایطی اند که تدبیر، شجاعت، بصیرت و قدرت تصمیم گیری در مواجهه با مسائل را از سوی رهبری

و مدیریت جامعه نشان می‌دهد. بحران‌شناسی بخش مهمی از فرایند مدیریت بحران و پژوهش‌های مربوط به آن را تشکیل می‌دهد.

مفهوم‌شناسی بحران

اصطلاح بحران در انگلیسی به معنی «کرایسز» است که برگرفته از واژه طبی یونانی می‌باشد. این کلمه عموماً یک وضعیت غیر عادی، وحشت‌انگیز، خشونت‌آمیز و سرنوشت‌ساز را تداعی می‌کند و همچنین به معنی بروز زمان خطر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی می‌باشد. در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی مفهوم «بحران» با معانی گوناگونی چون پریشانی (اسپریگنزی، ۱۳۷۷)، «وحشت»، «فاجعه»، «مصیبت»، «خشونت» بالقوه و بالفعل و یا به عنوان نقطه عطفی در تحلیل‌های تصمیم‌گیری به کار گرفته شده است. (سیف زاده، ۱۳۷۳) شناخت «بحران»‌ها و چالش‌ها از جمله مقولاتی است که بررسی ابعاد و زوایای آن به صورت علمی از دهه ۱۹۶۰ میلادی آغاز گردیده است. بحران ممکن است یک وضعیت تهدید آمیز، مخرب و ترسناک باشد. اما ممکن است فرصتی را نیز برای تغییر و آغازی جدید فراهم کند. (میس، ۱، ۲۰۱۷: ۷۴) روزنتال و همکارانش در مقدمه کتاب خود با نام «مقابله با بحران‌ها، مدیریت بلایا، شورش‌ها و تروریسم» بحران را اینگونه تعریف کرده‌اند: «تهدیدی جدی نسبت به ساخت‌های زیربنایی و یا ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین یک سیستم، که تحت محدودیت زمان و شرایط عدم قطعیت شدید، اتخاذ تصمیمات حیاتی را الزامی می‌سازد.» (روزنتال و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۳۵) بحران حاکمیت موقعیت عدم اطمینان بر محیط داخلی و خارجی سازمان است و در سطح کلان مجموعه عواملی که حکومت را در یکی از ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی دچار آشفتگی نموده و امنیت ملی کشور را دچار مخاطره سازد را بحران گویند. (ساوه درودی، ۱۳۹۰: ۱۵۱-۱۵۳)

بحران‌ها و چالش‌ها در نزد دولت‌ها، دارای اهمیت وافری هستند، چرا که به‌طور بالقوه می‌توانند ثبات و هستی دولت‌ها و رژیم‌ها را مورد تهدید قرار داده و از این منظر، مهار و «مدیریت بحران‌ها» از اهمیت زیادی برای تصمیم‌گیرندگان سیاسی برخوردار است. «میلر» و «ایسکو» در سال

۱۹۶۳ م، خصوصیات بحران‌ها را بر اساس مطالعات روانشناسی و جامعه‌شناسی این چنین مطرح می‌کنند:

۱- یک وضعیت بحرانی، موقعیتی کوتاه مدت و حاد است تا برهه‌ای طولانی، اگر چه طول مدت آن همواره نامشخص است.

۲- بحران موجب رفتاری است که غالباً آسیب شناسانه می‌باشد.

۳- بحران، اهداف طرف‌های درگیر در آن را با تهدید مواجه می‌سازد.

۴- بحران، موجب تنش (تنش فیزیکی و اضطراب) در ارگانسیم است (توماس اسپریگنز، ۱۳۷۰، ۵۰-۴۹).

به نظر «میتراف»^۱: بحران رخدادی است که می‌تواند بر کل سازمان تأثیر بگذارد یا دست کم، توان چنین اثرگذاری را دارد. (تأثیرگذاری کلان) محمدرضا تاجیک برایین باوراست که: یک دسته حوادث و وقایع که به سرعت پیش می‌آید و تعادل نیروها را در سامانه کلی بین‌المللی سامانه‌های فرعی، بیشتر از حد متعارف (متوسط) بر هم می‌زند و شانسی و امکان تشدید تخاصم در سامانه را افزایش می‌دهد. (یوسفی رامندی، ۱۳۹۸) (حادثه سریع، از بین بردن تعادل سامانه- امکان بر هم خوردن سامانه)

صاحب‌نظران، بحران را وضعیتی آشفته می‌دانند، نوعی از آشفتگی و پریشانی در عناصر هر ساختار و سامانه که سازوکارهای نظم بخشی به آن خارج از عهده خود سامانه باشد. در این وضعیت میزان آشفتگی از مسئله، مشکل، معضل و آفت فراتر می‌رود و آنچنان فراگیر و عمقی پیدا می‌کند که اراده برگشتن به حالت پیشین با گذار به نقطه مطلوب نیز دچار خدشه می‌شود. به اعتقاد «مینتزبرگ»^۲ و همکاران: بحران در اثر وقوع فوری، ناگهانی و غیرمنتظره حوادث و یا اتفاق به وجود می‌آید که توجه فوری و فوری به آن برای گرفتن تصمیمی فوری ضروری است (غیرمنتظره بودن- تصمیم فوری). همچنین به نظر کومبز (۲۰۰۷)^۳: بحران رویدادی ناگهانی و غیرمنتظره است که تهدیدی برای اختلال در عملکرد و اعتبار سازمان ایجاد می‌کند و می‌تواند بر ذینفعان آسیب جسمی، روحی و یا مالی وارد کند و بر طیف گسترده‌ای از آن‌ها تأثیر منفی گذارد (غیرمنتظره بودن- اختلال در عملکرد- آسیب روحی و روانی). «لاری اسمیت»^۴ (رئیس مؤسسه

1. Mitraf
2. Mintzberg Et All
3. Coombs
4. Larry Smith

بحران) در تعریف بحران بیان داشته است: «اغتشاشی عمده در سازمان که دارای پوشش خبری گسترده‌ای می‌شود و کنجکاوای مردم درباره موضوع بر فعالیت‌های عادی سازمان اثر می‌گذارد و می‌تواند اثر سیاسی، قانونی، مالی و دولتی بر سازمان بگذارد» (اغتشاش عمده - پوشش خبری - اثر سیاسی و اجتماعی). به اعتقاد «گار»^۱ (۱۹۸۰) پدیده درگیری عبارت از کنش و واکنش‌های آشکار و قهری گروه‌های رقیب می‌باشد. این تعریف، هر گونه آشوب سیاسی، شورش و جنگ را در بر می‌گیرد. جیمز رابینسون^۲ معتقد است که اصطلاحاتی همچون «فشار»، «تعارض»، «تنش»، «اضطراب»، «فاجعه» و «هراس» نیز از جمله واژه‌هایی هستند که با بحران بی‌ارتباط نیستند. به نظر وی «فشار» یعنی خنثی‌سازی یا احتمال خنثی‌سازی یک حالت انگیزشی که به اقدامی احساسی منجر می‌گردد. تأثیر منفی، پیامد دائمی فشار است. فشار به مثابه تهدیدی نسبت به اهداف، تنها یکی از عناصر عمده بحران است. «تعارض» نیز عبارت است از یک ناسازگاری میان طرف‌های گوناگون نسبت به هدف» (رابینسون، ۱۳۷۸).

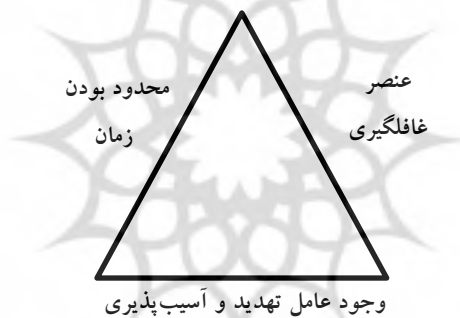
برخی نیز بحران را با «وضع اضطراری» و «حالت فوق‌العاده» یکی دانسته‌اند. وضع اضطراری نیز وضعیتی است که به موجب آن، حیات و نظم یک دولت در مخاطره قرار می‌گیرد. حالت فوق‌العاده ممکن است ناشی از تأثیرات یک جنگ خارجی باشد و یا ناشی از شورش، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی و مصائب بزرگ طبیعی. برخی بحران را با «ناآرامی اجتماعی» یکی گرفته‌اند. ناآرامی اجتماعی وضعیتی است که در آن نارضایتی از واقعه، جریان یا وضعی، گسترش یابد و باعث بروز رفتارهای خشم‌آلود و گاهی نیز حرکت‌های انقلابی گردد. (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۷۹). از دیدگاه «آلموند»^۳ منشأ بحران یا در ذات هر نظام سیاسی و یا در عوامل محیطی نهفته است. «مایکل برچر»^۴ و «جانانان ویلکنفلد»^۵ نیز معتقدند که بحران به‌طور تنگاتنگ با دو مفهوم «تعارض» و جنگ مرتبط است و «گار» تعارض را «تعاملات قهرآمیز و آشکار گروه‌های رقیب» می‌داند. به نظر «برچر» این تعریف به حدی وسیع و عام است که آشوب‌های سیاسی، شورش، انقلاب و جنگ را نیز در بر می‌گیرد (برچر و ویکنفلد، ۱۳۸۲). «هابر ماس»^۶ معتقد است بحران در

1. Gar
2. James Robinson
3. David Almond
4. Michael Brecher
5. Jonathan Wilkinfeld
6. Habermas

هر حوزه وقتی پیدا می‌شود که آن حوزه نتواند کارکردهای مورد انتظار را انجام دهد (هابرماس، ۱۳۸۰). «دیوید ایستون»^۱ معتقد است که منشأ بحران ممکن است «مقامات سیاسی»، «رژیم» و یا «جامعه سیاسی» باشند (تاجیک، همان).

مطابق شکل ۱، از دیدگاه روش تصمیم‌گیری سه عامل در تشخیص بحران نقش عمده دارند که عبارتند از: «تهدید و آسیب‌پذیری»، «زمان محدود» و «غافلگیری». (قائدی، ۱۳۸۲ ص ۳۱۷)

به‌طور کلی می‌توان گفت که بحران وضعیتی اضطراری، غیرعادی، آشفته، اغتشاشی عمده و خشونت‌آمیز با پوشش خبری گسترده که تهدیدی جدی برای اختلال در عملکرد و اعتبار سازمان ایجاد می‌کند و می‌تواند بر ذینفعان آسیب‌های جسمی، روحی و مالی وارد کند که توجه فوری به آن برای گرفتن تصمیمی فوری ضروری است. تهدید و آسیب‌پذیری، زمان محدود و غافلگیری از عناصر اصلی بحران محسوب می‌شود.



شکل ۱. خصوصیات سه‌گانه بحران

مدیریت و مهار بحران

یکی از تعاریف بحران؛ واژه بحران را معادل فرصت خطرناک یعنی ترکیبی از تهدید و فرصت دانسته است (سوری و حسنی، ۱۳۹۴). در زبان چینی واژه «ویچی» معادل واژه بحران است به معنای فرصت خطرناک؛ یعنی ترکیبی از «تهدید» و «فرصت»، این لغت اساس و شالوده مدیریت بحران را بیان می‌کند (یوسفی رامندی، ۱۳۹۸). در این تعریف، بحران به منزله لحظه تصمیم در شرایط فقدان (شرایط عدم امکان تصمیم‌گیری) است. این تعریف به ما کمک می‌کند که به مفهوم بحران مدیریتی نگریم و آن را به عنوان عرصه تصمیم و تدبیر مورد مطالعه قرار دهیم.

1. David Easton

مدیریت بحران، فرایندی نظام یافته تعریف می‌شود که طی این فرایند سازمان تلاش می‌کند بحران‌های بالقوه را شناسایی و پیش‌بینی کند، سپس در مقابل آنها اقدامات پیشگیرانه‌ای را انجام دهد تا اثر آن را به حداقل برساند (یوسفی رامندی، ۱۳۹۸). «کومبز» مدل سه مرحله‌ای مدیریت بحران را ارائه داده است. وی معتقد است مدل سه مرحله‌ای بر بسیاری از مدل‌های مدیریت بحران انطباق دارد. این مدل از سه مرحله، قبل از بحران، حین بحران، و پس از بحران تشکیل شده است. تصمیم‌گیری مهم‌ترین عنصر ذاتی مدیریت محسوب می‌شود که در فرایند مدیریت بحران به مراتب بر ضرورت اهمیت آن افزوده می‌شود. برخی از ویژگی‌های فرد تصمیم‌گیرنده (رهبری سیاسی)، ابعاد شخصیتی همچون قاطعیت رهبر و مدیر سیاسی است. شخصیت‌های استوار، قاطع و قوی‌تر در تصمیم‌گیری‌های خود کمتر تحت تأثیر محیط پیرامون، ساختارها و یا نیروهای سیاسی دیگر قرار می‌گیرند. رهبری نظام سیاسی را در شرایط آشفته به سوی اهداف خاصی رهبری می‌کند. این شرایط آشفته می‌تواند انقلاب، بحران و شرایط بی‌ثباتی ناشی از اعتراضات اجتماعی و... باشد (اپتر، دیویدای و چارلز اف، آندرین، ۱۳۸۰، ص ۴۱۷).

بنابراین در حالیکه «کریتر» با رویکردی پیشگیرانه که ناظر بر تدبیر بحران در یک سازمان می‌باشد، اعتقاد دارد که: مدیریت بحران عبارت است از «پیش‌بینی» و تدارک و آمادگی برای رویارویی با رویدادهایی که بقا و حیات سازمان را تهدید می‌کند. «کلاپر»^۱ و «پیرسون»^۲ معتقدند، مدیریت بحران، تلاش نظام یافته توسط اعضای سازمان همراه با ذینفعان خارج از سازمان در جهت پیشگیری از بحران‌ها و مدیریت اثر بخش آن در زمان وقوع است. همچنین بر اساس اصول معرفی شده مدیریت بحران «مک کارتی» در زمان وقوع بحران استفاده از اهرم زور (استفاده از ابزارهای قانونی) باید به هنگام، مناسب، برخوردار از «حمایت‌های مردمی» برای حضور در میدان با احتمال بالای موفقیت باشد و تنها در مرحله آخر از آن استفاده شود. افزون بر رعایت اصول مدنظر مک کارتی، مدیریت بحران نیازمند بهره‌جستن بهینه از تکنیک‌های مناسب تحدید (محدودسازی قانونی) و تدبیر (مدیریت) یک بحران است. در هر حال در رویکرد مبتنی بر وضعیت زمانی قبل و بعد از بروز بحران، مدیریت بحران در کارکرد چندگانه «پیش‌بینی» و «پیشگیری» برای قبل از آن و «اقناع‌سازی» و «بسیج توده مردمی» برای حمایت‌های مردمی و همچنین «محدودسازی» با استفاده

1. Claier
2. Pearson

از اقدامات قانونی در زمان وقوع بحران تجلی می‌یابد. به بیان «مک کارتی» هدف اصلی مدیریت بحران، دستیابی به راه حلی معقول برای برطرف کردن شرایط غیر عادی به گونه‌ای است که منافع ارزش‌های اساسی حفظ و تأمین شود (تاجیک، ۱۳۷۹).

بحران انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

حماسه‌ی حضور ۴۰ میلیونی مردم در انتخابات آزاد، سالم و رقابتی ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، گام نوبنی در ثبات نظام سیاسی کشور به عنوان سندی افتخارآمیز مشروعیت مردمی به ثبت رساند. لکن در فاصله‌ی بسیار کوتاهی گروهی اقلیت که در فضای کاملاً قانونی از کسب قدرت سیاسی محروم شده بودند، با انجام «کودتای سبز» با برهم زدن قواعد بازی سیاسی و نادیده انگاشتن مصالح و ضرورت‌های کشور، برنامه‌ای از قبل طراحی شده را برای براندازی نظام سیاسی کشور، به مرحله‌ی اجرا گذاشتند. بحران‌سازی عناصر موسوم به اصلاح طلب در راستای به دست آوردن قدرت سیاسی در کشور و حمله‌ی همزمان به نهادهای نظامی و انتظامی و لشکر کشی میرحسین موسوی (نامزد شکست خورده انتخابات) در ۲۵ خرداد، آشوب و اغتشاش، رفتار خشونت بار با حمله به اماکن و تخریب اموال عمومی، دولتی و خصوصی، کشته‌سازی با هدف تشدید خشونت‌ها، پوشش رسانه‌ای فضای مجازی گسترده و... همه از نشانه‌های یک تحول خشونت بار سیاسی بود که از سوی معارضین و معاندین داخلی، با حمایت و پشتیبانی همه جانبه دولت‌های غربی علیه نظام جمهوری اسلامی صورت گرفت.

مواضع و مدیریت رهبری معظم انقلاب اسلامی در مهار بحران مذکور تعیین کننده بوده و نهایتاً با حمایت و پشتیبانی مردمی، موجبات شکست کودتای ننگین سبز علیه اراده‌ی همگانی در ایران فراهم گردید. هشت ماه بحران آفرینی نه تنها توان ملی شدن را کسب نکرد، بلکه با توهین مستقیم به مقدسات و باورهای دینی - مذهبی مردم در ماه محرم و عاشورای ۸۸، جامعه‌ی ایرانی را علیه خود برانگیخت و مردم ایران مانند همیشه در دفاع از نظر و رأی خود، حماسه‌ای عظیم را برای ایران رقم زدند و با حضور در صحنه باعث خاتمه این فتنه گردیده‌اند. با توجه به بحران به وقوع پیوسته و بر مبنای خصوصیات سه گانه بحران، می‌توان گفت این بحران در زمان کوتاه و در وضعیت غافلگیری و با تهدید شدید بوده است.

روش‌شناسی تحقیق

امروزه با رشد مطالعات و پژوهش‌ها در حوزه‌های گوناگون علوم و مواجه شدن جامعه علمی با انبوهی از اطلاعات، اندیشه و رزان به این نتیجه رسیدند که آگاهی و تسلط بر تمامی ابعاد یک رشته و به روز بودن در این زمینه تا حدودی امکان‌پذیر نیست. بنابراین امکان پژوهش‌های ترکیبی که عصاره مطالعات انجام گرفته در یک موضوع خاص را به شیوه نظام مند علمی فراروی پژوهشگران قرار دهد، گسترش یافته است. فرا مطالعه یا همان «فرا تحلیل»^۱ یکی از روشهایی است که به منظور بررسی ترکیب و تحلیل پژوهش‌های گذشته مورد استفاده قرار می‌گیرد. فراتحلیل، تحلیلی از تحلیل‌ها تعریف شده است (هاپکینز^۲، ۲۰۰۱). فراتحلیل به تجزیه و تحلیل عمیق کارهای پژوهشی انجام شده در یک حوزه خاص می‌پردازد.

به نظر پنج و دی، فرا مطالعه شامل ۴ قسمت اصلی می‌باشد: ۱- فراترکیب، ۲- فرا روش،

۳- فرانظریه، ۴- فراتحلیل

فراترکیب: نوعی مطالعه کیفی است که یافته‌ها و اطلاعات استخراج شده از مطالعات کیفی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند. در نتیجه نمونه مورد نظر برای فرا ترکیب از مطالعه مطالعات کیفی منتخب و بر اساس ارتباط آن‌ها با سوال پژوهش تشکیل می‌شود. فراترکیب تحلیل یافته‌های مطالعات انجام شده می‌باشد.

فرا تحلیل: اصطلاح فراتحلیل برای نخستین بار در سال ۱۹۷۶ توسط جین گلاس^۳ در انجمن پژوهشی آمریکا به کار برده شد (سهرابی فرد، ۱۳۸۵، ص ۱۶۹). در این روش پژوهشگر نتایج تحقیقات مختلف را با هم ترکیب کرده و نتایج جدید و منسجم را استخراج می‌کند. مجموعه‌ای از نتایج مطالعات منفرد را با هدف یکی کردن و ادغام یافته‌ها ارائه می‌نماید.

فرا تحلیل، روش‌های متفاوتی دارد که فراتحلیل کیفی و فراتحلیل کمی، از جمله این روش‌ها هستند. فراتحلیل کمی، به منظور منسجم کردن نظریه‌ها و یافته‌های پژوهش‌های اجرا شده در یک حوزه‌ی پژوهشی خاص، از طریق فنون آماری، مانند شاخص اندازه اثر، به برآورد دقیق، تبیین نا هماهنگی‌ها و کشف عوامل تعدیل‌کننده می‌پردازد. فرا تحلیل کیفی، افزون بر منسجم کردن روش‌ها

1. Meta-Analysis
2. Hopkins
3. Gene Glass

ویافته‌ها، تفسیر عمیق و جامعی از موضوع پژوهش ارائه می‌دهد (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۷). در فراتحلیل کیفی بیشتر از آمارهای توصیفی استفاده می‌شود. مشخص کردن فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تجمعی، ترسیم نمودار میله‌ای و دایره‌ای برای نمایش نتایج، مشخص کردن نما، شاخص تغییر کیفی (تغییر در متغیرهای کیفی) از ارکان آن محسوب می‌شوند.

مطالعات علمی با روش فراتحلیل زمانی انجام می‌شود که چندین مطالعه علمی وجود داشته که همگی بر حسب یک هدف با بررسی وجود یک اثر صورت گرفته شده، بخواهیم نتایج آن‌ها را با یکدیگر مقایسه و نتیجه جدید به عنوان برآیند نتایج قدیم حاصل نماییم. بنابراین انجام فراتحلیل اقتضا دارد که تعداد قابل اتکایی از کارهای پژوهشی در موضوع واحد در جامعه وجود داشته باشد از این رو انجام آن تنها در حوزه‌ها و موضوعاتی امکان پذیر است که حداقل به لحاظ کمی تعداد پژوهش‌ها در خور توجه باشد.

برای فراتحلیل می‌توان شش گام را در نظر گرفت:

- ۱- تعریف سوال تحقیق (مولفه‌های مدیریتی رهبری در بحران ۸۸)؛
- ۲- جستجوی ادبیات پژوهش (تحقیقات منتشر شده در زمینه مدیریت رهبری در بحران)؛
- ۳- انتخاب تحقیقات (تمامی تحقیقات مرتبط با موضوع پژوهشی بررسی و تحقیقاتی که می‌بایست وارد مطالعه شود معین می‌گردد)؛
- ۴- استخراج داده‌ها (نوع داده‌هایی که باید از هر تحقیق استخراج شود در مرحله طراحی تحقیق مشخص و یک فرم استاندارد نیز برای ثبت این داده‌ها ایجاد می‌گردد)؛
- ۵- تحلیل داده‌ها (تحلیل شواهد و مدارک)؛
- ۶- گزارش یافته‌ها و نتایج.

یافته‌های پژوهش

روش پژوهش در این مقاله روش فراتحلیل کیفی و به شیوه توصیفی می‌باشد. پس از بررسی پژوهش‌های انجام شده در موضوع بحران ۱۳۸۸، که از سال ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ در نشریات معتبر داخلی انتشار یافته است، تعداد ۴۲ تحقیق مورد شناسایی قرار گرفت. به لحاظ ارزیابی محتوایی

پژوهش‌های مورد بررسی که در جدول شماره یک نشان داده شد، پژوهش‌ها، با رویکرد فتنه و جنگ نرم (۲۳/۸ درصد)، مدیریت بحران در دوره زعامت (۱۶/۷)، مدیریت رهبری در بحران ۸۸ (۱۶/۷ درصد)، روایت‌گری و بازخوانی (۱۴/۳)، بازخوانی بیانات مستقیم رهبری (۱۴/۳) ریشه‌یابی حوادث (۴/۷ درصد) و سایر (۹/۵ درصد) بوده است.

جدول ۱: تمرکز موضوعی پژوهش‌های انجام شده در مورد مدیریت رهبری در بحران

موضوع	فراوانی	درصد
فتنه و جنگ نرم در بحران ۸۸	۱۰ مورد	۲۳/۸
مدیریت رهبری در بحران‌های دوره زعامت	۷ مورد	۱۶/۷
مدیریت رهبری در بحران ۸۸	۷ مورد	۱۶/۷
روایت‌گری و بازخوانی بحران ۸۸	۶ مورد	۱۴/۳
بازخوانی بیانات رهبری درباره بحران	۶ مورد	۱۴/۳
ریشه‌یابی حوادث	۲ مورد	۴/۷
سایر	۴ مورد	۹/۵

در جدول شماره (۲) چک لیست ثبت محتوای تحقیقات انجام شده درج شده است. این چک لیست مواردی همچون عنوان تحقیق، نویسنده یا نویسندگان، سال انتشار، ناشر، مولفه‌های استخراج شده با فراوانی و درصد آن در پژوهش‌ها را شامل می‌شود.

جدول ۲: مرور پژوهش‌های انجام شده پیشین در موضوع مدیریت رهبری در بحران ۸۸

ردیف	عنوان تحقیق	مولفه‌های استخراج شده از پژوهش‌ها	مجله	سال	نویسنده
۱	طراحی الگوی راهبردی مدیریت بحران امنیتی مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری - (مورد مطالعاتی فتنه ۱۳۸۸)	<ul style="list-style-type: none"> • کارآمدی • عقلانیت • عدالت‌طلبی • استکبارستیزی • ارزش‌گذاری • حفظ نظام • خودباوری • واقع‌گرایی • عملگرایی • شفاف‌سازی • قانون‌گرایی • آرمان‌گرایی • اسلام‌محوری • مردم‌محوری • آگاهی‌بخشی • وحدت‌گرایی 	فصلنامه مدیریت بحران	۱۳۹۸	رسول یوسفی رامندی

جدول ۲: مرور پژوهش‌های انجام شده پیشین درموضوع مدیریت رهبری در بحران ۸۸

ردیف	عنوان تحقیق	مؤلفه‌های استخراج شده از پژوهش‌ها	مجله	سال	نویسنده
۲	اصول حاکم بر سبک مدیریت رهبری در کنترل و مهار وقایع انتخابات ۱۳۸۸	<ul style="list-style-type: none"> • اهمیت دین • عقلانیت • پابندی به قانون • گفتمان‌سازی 	فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی	۱۳۹۰	منوچهر محمدی مسعود معینی‌پور
۳	مدیریت رهبری در بحران بعد از انتخابات سال ۸۸	<ul style="list-style-type: none"> • اتکا به خداوند • اعتماد به مردم 	فصلنامه مدیریت بحران	۱۳۹۴	علیرضا سوری سیده‌محمد حامد حسینی
۴	بررسی عملکرد نقش رهبری در مدیریت بحران پس از انتخابات سال ۸۸	<ul style="list-style-type: none"> • فقاهت • شجاعت 	پایان نامه	۱۳۹۴	سیداحسان میرسیار
۵	نقش امام خامنه‌ای در بحران انتخابات سال ۱۳۸۸	<ul style="list-style-type: none"> • سیاست‌گذاری و هدایت راهبردی • ایجاد بصیرت و روشنگری • اقدامات اجرایی 	مرکز اسناد انقلاب اسلامی	۱۳۹۶	علی اصغر اصغرزاده
۶	تبیین راهبردهای امنیت ساز حضرت آیت امام خامنه‌ای در مقابله با چالش‌های فتنه ۸۸	<ul style="list-style-type: none"> • انصاف‌مداری • مرزبندی با دشمن • اعتمادسازی • مقابله با فتنه‌گران • بصیرت‌افزایی 	فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی	۱۳۹۶	حسین حسینی حمید علوی وفا

جدول ۲: مرور پژوهش های انجام شده پیشین در موضوع مدیریت رهبری در بحران ۸۸

ردیف	عنوان تحقیق	مؤلفه‌های استخراج شده از پژوهش ها	مجله	سال	نویسنده
۷	نقش رهبری در مدیریت بحران‌ها جلد (۳)	<ul style="list-style-type: none"> • قانون‌گرایی • بر مدار قانون • بودن نخبگان • سیاسی • درونی بودن • اختلافات • جدا تمودن خط • تخریب و اغتشاش از مردم • استکبارستیزی • لزوم موضع‌گیری • شفاف نخبگان و خواص • برخورد با متخلفان 	موسسه پژوهش‌های کیهان	۱۳۹۰	محمدتقی کرامتی

در بررسی مطالعات پیشین در زمینه مدیریت رهبری در بحران ۸۸، تعداد ۵۴ مؤلفه شناسایی شده که از سوی محققان به ارتباط و تاثیر این مؤلفه‌ها بر مدیریت رهبری در مهار بحران مذکور اشاره داشته‌اند. همانطور که در جدول شماره دو نشان داده شد، مهمترین مؤلفه‌های استخراج شده (۳۶ مؤلفه) از پژوهش‌های پیشین درباره مدیریت رهبری در مهار بحران ۱۳۸۸ عبارت بودند از: کارآمدی، عقلانیت، عدالت‌طلبی، استکبارستیزی، ارزش‌گذاری، مردم‌محوری، اسلام‌محوری، خودباوری، واقع‌گرایی، عمل‌گرایی، شفاف‌سازی، رعایت انصاف، قانون‌گرایی، آرمان‌گرایی، آگاهی‌بخشی، وحدت‌گرایی، گفتمان‌سازی، جذب حداکثری، اهمیت مشارکت و انتخابات، خدمات‌محوری، اعتماد به مردم، شناخت بحران، بصیرت‌بخشی، فقاقت، شجاعت، کیاست، سیاست، سیاست‌گذاری و هدایت راهبردی، انصاف‌مداری، مرزبندی با دشمن، اعتماد سازی. نتایج گویای آن است که بین مؤلفه‌های استخراج شده توسط پژوهشگران رابطه معناداری وجود دارد.

مولفه های مدیریت بحران رهبری، استخراج شده از مطالعات پیشین

کارآمدی	قانونگرایی	خدامحوری
عقلانیت	آرمانگرایی	اعتماد به مردم
عدالت طلبی	عملگرایی	شناخت بحران
استکبارستیزی	شفاف سازی	بصیرت بخشی
ارزشگذاری	رعایت انصاف	فقاهاست
مردم محوری	قانونگرایی	شجاعت
اسلام محوری	آرمانگرایی	کیاست
خودباوری	آگاهی بخشی	سیاست
واقعگرایی	وحدت گرایی	سیاستگذاری و هدایت راهبردی
عملگرایی	گفتمان سازی	انصاف مداری
شفاف سازی	جذب حداکثری	مرزبندی با دشمن
رعایت انصاف	اهمیت مشارکت و انتخابات	اعتماد سازی

شکل ۲: مولفه های مدیریت بحران رهبری، استخراج شده از مطالعات پیشین

دوره زمانی پژوهش های انجام شده که در جدول ۳ آمده است، رابطه معناداری را نشان می دهد. فاصله زمانی ۸۸ تا ۹۰ دارای بیشترین فراوانی و سال ۹۰ و ۸۹ به ترتیب با ۲۶ درصد و ۱۹ درصد بالاترین فراوانی را در انتشار پژوهش ها در این حوزه داشته است.

جدول ۳: دوره زمانی مجموع پژوهش ها

سال	فراوانی	درصد
۱۳۸۸	۴	۹/۵
۱۳۸۹	۹	۱۹
۱۳۹۰	۱۱	۲۶
۱۳۹۲	۳	۷
۱۳۹۳	۲	۴/۷
۱۳۹۴	۳	۷
۱۳۹۵	۲	۴/۷
۱۳۹۶	۳	۷
۱۳۹۸	۲	۴/۷
۱۴۰۰	۳	۷

به لحاظ روشی، یافته‌ها بیانگر آن است که پژوهش‌هایی که در طی این مدت در خصوص بحران مذکور صورت گرفته است، هیچ کدام از روش کمی بهره نبرده‌اند. عمده پژوهش‌ها به روش کیفی-توصیفی با ۷۱/۴ درصد بیشترین فراوانی را در بر گرفته است. استفاده از روش کیفی-تحلیل مضمون ۱۶/۶ درصد و نظری ۱۱/۹ درصد بوده است.

جدول ۴. روش پژوهشی مجموع پژوهش‌ها

روش پژوهش	کمی	کیفی-توصیفی	کیفی-تحلیل مضمون	نظری-بنیادی
فراوانی	۰	۳۰	۷	۵
درصد	۰	۷۱/۴	۱۶/۶	۱۱/۹

براساس داده‌های جدول شماره ۵، از میان مولفه‌های اعلام شده در نتایج پژوهش‌های پیشین، که با روش تحلیل مضمون بدست آمده بود، قانون‌گرایی با (۱۱/۱ درصد)، بصیرت و روشنگری (۹/۲ درصد) و مردم‌گرایی (۷/۴) بیشترین فراوانی را داشته‌اند که توسط پژوهشگران به عنوان مولفه‌های تاثیرگذار در مدیریت رهبری انقلاب در مهار بحران ۸۸ معرفی شده‌اند و در الویت قرار دارند.

جدول ۵: مهمترین مولفه‌های اثرگذار در مدیریت بحران

مولفه	فراوانی	درصد
قانون‌گرایی	۶ مورد	۱۱/۱
بصیرت و روشنگری	۵ مورد	۹/۲
مردم‌محوری	۴ مورد	۷/۴



شکل ۳: مهمترین مولفه‌های اثرگذار در مدیریت رهبری در بحران

رویکردهای مدیریتی مقام معظم رهبری در بحران

مدیریت مقام معظم رهبری در بحران‌های دوره زعامت خود، علاوه بر آنکه در قالب شیوه‌های مطرح شده در بخش مبانی نظری قابل تحلیل می‌باشد، ویژگی‌های منحصر به فردی نیز دارد که همانا انطباق آن با ارزش‌های بنیادین دین مبین اسلام است. با تعمق در روح موضع‌گیری‌ها و بیانات و عمق روشهای به کار گرفته شده از سوی رهبری معظم، بیانگر همگرایی با آموزه‌های دینی و اسلامی می‌باشد. تدابیر، موضع‌گیری‌ها، بیانات، هشدارها و اقدامات قانونی ایشان در بزنگاه‌های وضعیت‌های بحرانی، گویای زمان‌شناسی، تحلیل و شناخت درست پدیده‌ها و محیط پیرامونی، ظرافت و دقت لازم صورت گرفته از سوی ایشان در مراحل گوناگون رویارویی با بحران‌ها است که تابع سلسله مراتب تعیین یافته در قواعد حکومت اسلامی و در راستای حفظ و صیانت از چارچوب و ساختار حقوقی و سیاسی آن می‌باشد.

با توجه به نکاتی که در مباحث نظری بیان گردید، در حالیکه برخی با رویکردی پیشگیرانه که ناظر بر تدبیر و مدیریت بحران می‌باشد و بر «پیش‌بینی» و تدارک و آمادگی برای رویارویی با رویدادها و بحران‌ها و به عبارتی بر پیشگیری از بحران‌ها تاکید داشته‌اند، برخی نیز بر مدیریت اثر بخش آن در زمان وقوع بحران اشاره نموده‌اند. همچنین بر اساس اصول معرفی شده مدیریت بحران، در زمان وقوع بحران استفاده از اهرم زور (استفاده از ابزارهای قانونی) به هنگام، مناسب، برخوردار از «حمایت‌های مردمی» برای حضور در میدان با احتمال بالای موفقیت و بهره‌جستن بهینه از تکنیک‌های مناسب تحدید (محدودسازی قانونی) و تدبیر (مدیریت) یک بحران مورد تاکید صاحب‌نظران این حوزه می‌باشد. در هر حال در رویکرد مبتنی بر وضعیت زمانی قبل و بعد از بروز بحران، مدیریت بحران در کارکرد چندگانه «پیش‌بینی» و «پیشگیری» برای قبل از آن و «اقناع‌سازی» و «بسیج توده مردمی» برای حمایت‌های مردمی و همچنین «محدودسازی» با استفاده از اقدامات قانونی در زمان وقوع بحران تجلی می‌یابد. اساساً در مواقع بروز بحران، هر اقدامی در جهت بازگرداندن جامعه به شرایط عادی، نیازمند مدیریت عقلانی و توانمندی است که علاوه بر کاهش تنش‌های به‌وجود آمده، صفوف جریان‌ات درگیر را مشخص نموده و خودی از ناخودی را معین سازد و آتش شکل گرفته از بحران را مهار نماید. از این رو در عمر بیش از

۴۰ ساله‌ی انقلاب اسلامی، عبور از فتنه‌ها و بحران‌های شکل گرفته به دست دشمنان داخلی و خارجی، پیش از پیش نقش کارآمد رهبری را آشکار می‌سازد. چرا که تصمیم‌گیری در شرایط بحران از خطرترین و دقیق‌ترین اقداماتی است که پیامدهای متناسب با خود را به وجود می‌آورد و اتخاذ آن اصلی‌ترین عنصر در مدیریت بحران است. مدیریت بحران در واقع انتخاب صحیح و با درایت است که این مسئله در نقش مقام معظم رهبری در مدیریت بحران در طول مدت زعامت و رهبری‌شان بر هیچ کس پوشیده نبوده است. با توجه به تجربه‌های بدست آمده از نحوه‌ی اقدامات و راهبردهای مقام معظم رهبری در مهار و مدیریت بحران‌ها، الگوی مدیریت بحران ایشان، تابع اصول مشخصی است که یافته‌های پژوهش‌های انجام شده بیانگر این واقعیت است که رویکرد و راهبرد محوری ایشان همچون محدود سازی با استفاده از اقدامات قانونی، بصیرت و روشنگری در راستای اقل‌افکار عمومی و بسیج و حمایت توده‌های مردمی در سه سطح قبل، حین و پس از بحران به منظور پیشگیری و مدیریت بحران‌ها، مبتنی بوده است. آنچه در این نوشتار بدان اشاره شد، نمونه‌هایی از توانمندی و هوشمندی رهبر نظام در برخورد با بحران‌ها و مدیریت اثربخش آنها بوده است. بحرانی تا در این سطح کافی بود تا هر نظام سیاسی را با چالش و مشکلات جدی روبرو سازد و موجودیت آن را به خطر بیندازد. بینش عمیق مقام معظم رهبری به عنوان سکاندار انقلاب اسلامی در دوران رهبری خود، موجب شد تا کشتی نظام اسلامی از میان این امواج سهمگین و طوفانهای شدید به سلامت به سمت ساحل امن و پیشرفت حرکت کند و دشمنان را در رسیدن به اهداف شوم خود ناکام گذارد. اگر هوشمندی، درایت و مدیریت مقام معظم رهبری و اتخاذ راهبردهای به جا و به هنگام ایشان در پیشگیری، مدیریت و مهار بحران‌ها، نبود، چه بسا ممکن بود آسیب‌ها و خسارات جبران ناپذیری بر پیکره نظام جمهوری اسلامی وارد گردد. در حقیقت مقام معظم رهبری بسان ناخدایی توانمند، سکان کشتی انقلاب اسلامی را در میان امواج، طوفانها و بحران‌های شدید سیاسی، امنیتی و نظامی به سلامت به ساحل نجات رهنمون ساخته است. مقام معظم رهبری در تمامی دوران زعامت خود با شناخت و درک صحیح از مسائل و محیط داخل و خارج و با تجزیه و تحلیل وقایع و پدیده‌ها، نسبت به آگاهی بخشی و هوشیاری مردم و مسئولان کشور در جهت پیشگیری از وقوع چالش‌ها و بحران‌ها برای کشور و نظام اهتمام می‌ورزند و در حقیقت مدیریت ایشان با پشتوانه مردمی مداومت دارد.

همچنین به محض بروز مشکل و بحرانی برای کشور با تدبیر به هنگام و مقتدرانه خویش و با حمایت‌های مردمی و کاربست ابزارهای قانونی در چارچوب ساختار سیاسی و حقوقی کشور بحران‌های به وجود آمده را به خوبی مدیریت و مهار می‌نمایند. در ادامه به تشریح مهمترین مولفه‌های مدیریتی ایشان در برخورد با بحران‌ها پرداخته می‌شود:

قانون مداری

مهم‌ترین مشخصه و ویژگی در نظام جمهوری اسلامی، جایگاه و اهمیت خاص «قانون» است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای طی بیش از سه دهه زعامت‌شان در رهنمودهای خود توجه به قانون و قانون‌گرایی را همواره به عنوان مهم‌ترین شاخصه و اصول در فعالیت‌ها مورد تأکید قرار داده‌اند که این خود به عنوان یک راهبرد مهم، باعث جلوگیری از انحراف و خطا در جامعه و در نتیجه پیشگیری از وقوع بحران در وهله‌ی اول و یک راهبرد کاربردی در مهار بحران‌های به‌وجود آمده در مرحله دوم بوده است. یکی از مهمترین روش‌های مقام معظم رهبری برای مدیریت بحران‌های پیش آمده در مسیر انقلاب در زمان رهبریشان، تکیه بر قانون و اصرار بر اجرای مر قانون در حوادث و رویدادهای مختلف بوده است. ایشان دریافته‌اند که بهترین مرجع برای حل و فصل اختلافات و رخدادها اجرای قانون است. این رویه تا به آن اندازه در مدیریت بحران‌ها مؤثر و راهگشاست که در انتخابات ۸۸ و حوادث پس از آن، رهبری اجرای قانون را باطل کننده‌ی تمامی خواسته‌ها و اهداف غیر قانونی فتنه گران می‌دانستند. و در نماز جمعه با شکوه ۲۹ خرداد ۸۸ در اجرای این روش اعلام کردند که تحت هیچ شرایطی زیر بار حرف فرا قانونی نخواهند رفت. در دورانی که رهبران فتنه و ضد انقلاب به دلیل آشوب آفرینی گمان می‌کردند می‌توانند به روش‌های آنارشستی از انقلاب امتیاز بگیرند، کوتاه نیامدن رهبر انقلاب از قانون و قانون‌مداری در برابر مطالبات فراقانونی آنان در نهایت باعث مهار بحران و ثبات کشور گردید. این رویه باعث شده است که طرف‌های دیگر در هر مسئله‌ای بدانند که اجرای قانون همواره مد نظر ایشان بوده و خواهد بود. بنابراین در جریان مراحل گسترش بحران، رهبر معظم انقلاب به منظور محدود ساختن ابعاد آن و جلوگیری از وخیم‌تر شدن شرایط کشور، خود راساً وارد عمل شدند. استفاده از

اختیارات رهبری در زمان لزوم، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه، قاطعیت در برخورد و محاکمه‌ی متخلفان از اقدامات قانونی رهبر معظم انقلاب در مواجهه با بحران بوده است.

بصیرت و روشنگری

بدون تردید پدیده‌ای به نام افکار عمومی به درازای عمر جامعه بشری دارد. زمانی که مباحث سیاسی به قضاوت‌های عمومی کشانده شد. اقناع به معنی راضی کردن، قانع کردن، ترغیب، تهییج و تشویق کردن مخاطب، نقطه اوج مبحث ارتباطات است. اقناع هدف اساسی همه نوع رفتارهای ارتباطی است.

وقتی پیامی فرستاده می‌شود، مخاطبین با دریافت پیام سه نوع واکنش می‌توانند داشته باشند: رد و نفی، بی‌تفاوتی و خنثی، پذیرش و رضایت مندی. اقناع تلاش صادقانه برای مجاب ساختن مخاطبین به پذیرش موضوع و خواسته‌ها به وسیله‌ی ارائه مناسب اطلاعات، واقعیت‌ها و تحلیل‌های درست می‌باشد. بنابراین آگاهی و شناخت کافی و درک پدیده‌هایی چون تهدید، نقش محوری در نوع واکنش و تصمیم دارد و در واقع شناخت تهدید، متغیری میانجی بین حادثه یا رویداد و واکنش نسبت به آن به شمار می‌آید و هر قدر درک و تشخیص رویدادها و روندها واقعی‌تر و هوشمندانه‌تر باشد و به تعبیری اطلاعات درست و افعی به مخاطبین ارائه شود، واکنش‌های ایجاد شده نیز درست‌تر و مثبت‌تر خواهد بود. یکی از ویژگی‌های مدیریت مقام معظم رهبری که همزمان با دیگر خط مشی‌های اتخاذ شده توسط ایشان در مدیریت تمامی بحران‌های دوران زعامت معظم له صورت گرفت، «اقناع افکار عمومی» با «روشنگری و تنویر افکار عمومی»، در شرایطی بود که دشمن و جریان بحران آفرین، فضا را غبارآلود و تیره و تاریک ساخته بود. وجه بارز این روشنگری، بیانات و موضع‌گیری‌ها در دیدارها و خطبه‌های ایشان در زمان وقوع بحران‌ها بود که این بیانات و خطبه‌های تاریخ ساز نقش بسیار مهمی در مدیریت و مهار بحران‌ها با حمایت‌های مردمی ایفا کرد. از آنجا که جنس فتنه از جنس «چالش نرم» است مواجهه با آن از طریق ابزارهای سخت (انتظامی) و حتی نیمه سخت (قضایی) چندان کارایی نخواهد داشت و جنس برخورد باید از جنس چالش فتنه و از نوع نرم باشد. برای برون رفت از فضای غبارآلود فتنه، لازم است از اصول و برنامه‌های مشخص تبعیت کرد و راه را برای عبور از فتنه هموار کرد. اساساً یکی از اصول مسلم

عبور موفق از فتنه، داشتن «بصیرت» است. کلید واژه‌ی «بصیرت» یکی از پرکاربردترین واژگان موجود در ادبیات مقام معظم رهبری بوده و همواره مورد تأکید فراوان ایشان قرار داشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این کلید واژه از بدو دوران رهبری معظم پیوسته در بیانات و مکتوبات ایشان حضور پررنگی داشته است. رهبری انقلاب در مدیریت بحران‌ها، بصیرت را به عنوان یک گفتمان راهبردی در مسیر روشنگری و شفاف‌سازی به منظور «افتتاح افکار عمومی» جامعه در فضای فتنه‌آلود مطرح ساختند. در واقع فضایی را به وجود آوردند تا وضعیت به هم آمیختگی حق و باطل شفاف بشود، به صورتی که آحاد جامعه قدرت تشخیص از دست داده را باز یابند. همین مسئله اهمیت واکاوی معنا و مفهوم بصیرت در اندیشه‌ی رهبر انقلاب و کشف دلایل پافشاری خاص ایشان بر لزوم بصیرت‌زایی و بصیرت‌افزایی در جامعه را دو چندان می‌سازد. مقام معظم رهبری دو سطح تحلیل را برای مفهوم بصیرت در نظر می‌گیرند: یکی سطح اصولی و لایه‌ی زیرین بصیرت است که به بصیرت در انتخاب جهان بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی مربوط می‌شود. اما سطح دیگر که بیشتر مدنظر رهبر معظم انقلاب قرار دارد، بصیرت در برخورد با حوادث اجتماعی است. بصیرت داشتن در این سطح عبارت است از تدبیر کردن، درست نگاه کردن و درست سنجیدن حوادث به هنگام مواجهه با آن‌ها و پرهیز از نگاه‌های عامیانه و سطحی. رهبر انقلاب در این زمینه اظهار می‌دارند: «حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آن‌ها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند. یعنی بینایی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «فإنما البصیرُ من سمعَ فتنفکر، و نظرَ فأبصر، بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد. وقتی شنید، بیندیشد» (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۸/۴).

در هنگام وقوع بحران‌های کشور از ابتدای انقلاب اسلامی غالباً فضای جامعه فتنه‌گون و شناخت حق و باطل در چنین فضایی دشوار می‌شود. در این شرایط مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های روشنگرانه‌ی خود، به تنویر افکار عمومی، تحلیل حوادث و بحران‌ها پرداختند، که این موضوع نقش مهمی در نحوه‌ی مواجهه مردم با بحران‌های به وجود آمده داشت. ایشان همواره با تشریح اهداف دشمنان از ایجاد بحران در کشور و حمایت از ادامه‌ی آن، به تشریح دست‌های پنهان و آشکاری پرداختند که با انگیزه فروپاشی نظام جمهوری اسلامی در این زمینه وارد عمل شدند. معظم له در تحلیل‌هایشان ضمن اشاره به مضامینی چون شناخت دشمن و لزوم مرزبندی با

آن، شناخت متن و حاشیه و عدم الویت به مسائل فرعی نسبت به مسائل اصلی، تفکیک جبهه معترض با ضد انقلاب و... ماهیت بحران‌ها و فتنه‌های به وجود آمده را برای مردم روشن ساختند و بدین وسیله اقدام مؤثری در جهت مدیریت بحران‌ها اعمال نمودند.

مردم‌گرایی

صاحب‌نظران ضمن پذیرش نقش مهم رهبران در بسیج توده‌ها، سه نوع ویژگی: رهبران فکری و ایدئولوژی پرداز، رهبران بسیج‌گر و رهبران سیاستگذار و مدبر را بر می‌شمارند. رهبری در ابتدای امر از طریق پیام‌ها و سخنرانی‌های خود مردم را آگاه می‌کند و با بسیج توده‌ای مردم به انواع فعالیت‌ها از جمله تظاهرات و راهپیمایی، مشارکت در انتخابات و حضور در صحنه‌های ملی، مقابله با چالش‌ها و بحران‌ها و... ترغیب می‌نماید. تکیه بر حضور همه جانبه اقشار مختلف مردم و اقدام در بسیج آن‌ها در راستای حمایت از اصول و ارزش‌های ایدئولوژی و انقلابی از مهم‌ترین ویژگی‌های رهبری انقلابی محسوب می‌شود. رهبری شرایط ذهنی مردم را برای مشارکت جدی در فرایندهای انقلاب و فداکاری، ایثارگری برای اهداف آن آماده می‌کند و با مطرح کردن راه‌های رسیدن به اهداف، ایجاد اتحاد و یکپارچگی و روحیه فداکاری و از جان گذشتگی را تسهیل می‌کند که در نتیجه آن بسیج توده‌ای فراگیری در تمام جامعه امکان‌پذیر می‌شود. اگر رهبری مورد اعتماد مردم نباشد، نمی‌تواند بین آنان وحدت و یکپارچگی لازم ایجاد کند و بسیج فراگیر و وسیع مردمی شکل دهد و نیروی عظیمی برای مقابله با بحران‌ها به وجود آورد. اعتماد به مردم و تکیه بر پشتیبانی آن‌ها یکی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های مهم راهبردی مدیریت حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری می‌باشد. مردم‌گرایی و توجه به مردم در بسیاری از مواضع ایشان به روشنی قابل مشاهده است. از نظر امام خمینی (ره) به حرکت در آوردن مردم، با آگاهی بخشی (اقتناع افکار عمومی) آن‌ها امکان‌پذیر بود. از این نظر بین آگاهی بخشی و رشد فکری مردم از یک سو و میزان مشارکت آن‌ها در حرکت انقلابی و حضور در صحنه‌ها از سوی دیگر، همبستگی مثبتی وجود دارد. ابراز همدردی و هم‌ذات‌پنداری با مردم در گفتار و رفتار نیز از عوامل مهم تأثیرگذار در جذب مردم و بسیج شدن آن‌ها در صحنه‌ها و حرکات انقلابی می‌باشد. حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری در مراحل مختلف زعامت خود، نسبت به ابراز همدردی و هم‌ذات

پنداری با مردم اهتمام ویژه‌ای داشتند. یقیناً یکی از عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) حضور و مشارکت آگاهانه، مؤمنانه و فعال مردم مسلمان ایران در صحنه بوده است. این حضور به قدری عمیق و آگاهانه بود که با استمرار خود همه‌ی توطئه‌ها و فتنه‌های دشمنان انقلاب در ابعاد داخلی و خارجی را تا کنون نقش بر آب کرده است. تأثیرگذاری این حضور، در سایه‌ی پیروی قطعی و خالصانه از ولایت و رهبری معظم انقلاب تداوم پیدا کرده و اهداف خود را محقق ساخته است. هر چند نقش و حضور مردم در عرصه‌ی دفاع از انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی در بیش از چهار دهه‌ی گذشته امری ناشناخته‌ای نبوده ولی کم و کیف این پدیده در زمان مقابله با بحران‌ها از جهاتی دارای ابعاد و تأثیرگذاری ویژه است. نگاهی به سلوک و شیوه‌ی مدیریت مقام معظم رهبری گویای این واقعیت است که در صحنه ننگه داشتن مردم به عنوان پشتیبانان نظام اسلامی همواره یکی از تدابیر ایشان در مدیریت سیاسی جامعه به ویژه در بحران‌ها بوده است.

در همین راستا با نگاهی به حوادث سال ۸۸ در می‌یابیم ایشان تلاش بسیاری انجام دادند تا در راستای سیاست جذب حداکثری، افراد و گروه‌های مختلف در زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران باقی بمانند و به فعالیت پردازند. با دقت در فاصله‌ی زمانی بین انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و به دنبال آن بحران به وجود آمده ناشی از آن، تا خلق حماسه‌ی ۹ دی همان سال، در می‌یابیم مقام معظم رهبری با تدبیر و تبیین و شفاف نمودن فضای غبارآلود شکل گرفته، سعی در آرام نمودن فضای کشور و نیز کنترل برخی عناصر استحاله شده داشتند. به بیان دیگر مقام معظم رهبری به باز تولید سرمایه اجتماعی، یعنی حمایت‌های مردمی اقدام نمودند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات راهبردی

از مجموع مطالعات پیشین، بیش از ۳۹ درصد مطالعات مستقیماً بر نقش مدیریتی رهبری در مهار بحران‌ها پرداخته‌اند.

در پژوهش‌های بررسی شده، درباره مدیریت مقام معظم رهبری در مهار بحران ۸۸، یافته‌ها نشان‌دهنده تمرکز بیشتر پژوهش‌ها بر مولفه‌های مدیریت بحران مقام معظم رهبری چون: کارآمدی، عقلانیت، عدالت‌طلبی، استکبارستیزی، ارزش‌گذاری، مردم‌محوری، اسلام‌محوری،

خودباوری، واقعگرایی، عملگرایی، شفاف سازی، رعایت انصاف، قانونگرایی، آرمانگرایی، آگاهی بخشی، وحدت گرایی، گفتمان سازی، جذب حداکثری، اهمیت مشارکت و انتخابات، خدامحوری، اعتماد به مردم، شناخت بحران، بصیرت بخشی، فقاقت، شجاعت، کیاست، سیاست، سیاستگذاری و هدایت راهبردی، انصاف مداری، مرزبندی با دشمن، اعتماد سازی، بوده است که در این میان مولفه‌های قانونگرایی، بصیرت و روشنگری و مردم محوری با بیشترین فراوانی، از اهمیت زیادی برخوردار بودند و در الویت قرار دارند.

در تشریح سه مولفه ی محوری و تاثیرگذار در مدیریت رهبری بر بحران، اشاره گردید که، مقام معظم رهبری با بهره گیری از قدرت درک سیاسی و اجتماعی و تحلیل دقیق، نسبت به تبیین و تحلیل بحران اقدام می‌نمایند. در این مسیر معظم‌له از بصیرت افزایی به عنوان گفتمان راهبردی در جهت روشنگری و شفاف سازی فضای فتنه آلود جامعه و شناخت اهداف دشمن از بحران آفرینی و ... که در سطوح مردم، مسئولان، جریان‌های سیاسی، نخبگان، رسانه‌ها و مطبوعات و ... در هنگام وقوع بحران استفاده می‌نمایند. در صحنه نگه داشتن مردم به عنوان پشتیبانان نظام اسلامی همواره یکی از تدابیر و راهبردهای ایشان در مدیریت سیاسی جامعه به ویژه در بحران بوده است. در حقیقت رهبری معظم با تکیه بر قدرت بسیج‌گری خود از طریق همذات پنداری با مردم و اعتماد به آنان توانستند طیفی عظیمی از اقشار مختلف مردم را در مقابله با بحران‌ها بسیج نمایند. همچنین توجه به قانون و قانونگرایی را همواره به عنوان مهم‌ترین شاخصه و اصول مورد تأکید قرار داده‌اند که این خود به عنوان یک راهبرد مهم باعث جلوگیری از انحراف و خطا در جامعه و در نتیجه مهار بحران به وجود آمده بوده است.

بدون تردید دشمنان نظام جمهوری اسلامی چه داخلی و چه خارجی، دست از توطئه و دسیسه بر نمی‌دارند و همواره برای آسیب رساندن به نظام تمام تلاش خود را به کار خواهند بست و از هر فرصتی برای رسیدن به اهداف شوم خود بهره خواهند جست. بنا بر این جمهوری اسلامی پس از فراز و نشیب بسیار خود و عبور از بحران‌های متعدد، همچنان با برخی از واکنش‌ها، بحران سازی‌های داخلی، موج سواری معاندین از برخی شرایط و ... دست به گریبان خواهد بود. از این رو احتمال بازسازی بحران‌ها، همچون بحران‌ها و آشوبگری‌های به وجود آمده در گذشته، بویژه در فضای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آینده (۱۴۰۴)، خواهد بود.

باتوجه به تغییر ماهیت بحران‌ها در ابعاد گوناگون (به ویژه تجربه بحران اخیر)، از جمله ترکیبی بودن، سایبرپایه بودن و نقش رسانه‌ها و فضای مجازی، نسلی بودن و فرامادی و پسااقتصادی بودن و همچنین احتمال کاهش فاصله زمانی بروز بحران‌های آینده، برای برهه‌های بعدی بسیار محتمل است. لذا شایسته است زمامداران امور چاره‌اندیشی کنند و از به وجود آمدن هر حادثه و بحرانی پیشگیری نمایند تا بهانه بدست فرصت‌طلبان و دشمنان نظام ندهند و تدابیر لازم برای چگونگی برخورد با بحران‌های احتمالی آینده پیش‌بینی و آمادگی‌های لازم ایجاد گردد.



فهرست منابع

- اپتر، دیویدای و چارلزاف، آندرین، (۱۳۸۰)، **اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسپریگنز، توماس، (۱۳۷۰)، **فهم نظریه‌های سیاسی**، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، انتشارات آگاه.
- آقابخشی، علی و افشاری راد، مینو، (۱۳۷۹)، **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران، نشر چاپار.
- بابازاده، حسین، (۱۳۹۱)، **الیگارشی علیه جمهوری: دور نوشت‌های وقایع سیاسی سال ۱۳۸۸**، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- برچر، مایکل و ویلکنفلد، جانانان، بحران، (۱۳۸۲)، **تعارض و بسی ثبانی**، ترجمه علی صبحدل، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پی مک کارتی، شاول، (۱۳۸۱)، **نقش اطلاعات در مدیریت بحران**، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۹)، **مدیریت بحران، نقدی بر شیوه‌های تحلیل تدبیر بحران در ایران**، تهران، فرهنگ گفتمان.
- رابینسون، جیمز.آ، بحران، (۱۳۷۸)، **گزیده مقالات سیاسی - امنیتی**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سیف‌زاده، حسین، (۱۳۷۳)، **نظریه‌های مختلف درباره راه‌های گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی**، تهران، نشر قومس.
- سهرابی فرد، نسرین، (۱۳۸۵)، **مروری بر مبانی فراتحلیل، فصلنامه روانشناسان ایرانی**، سال ۳، ش ۱۰، صص ۱۶۹-۱۷۱
- سلیمی، جلیل و مکتون، رضا، (۱۳۹۷)، **فراتحلیل کیفی پژوهش‌های علمی ناظر بر مسئله حکمرانی در ایران**، مدیریت دولتی، شماره ۱، صص ۱-۳۰
- سوری، علیرضا و حسینی، سید محمد حامد، (۱۳۹۴)، **مدیریت مقام معظم رهبری در بحران بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸**، فصلنامه مدیریت بحران، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۵۷-۹۸.
- روزنتال و همکاران، (۱۳۸۱)، **مقابله با بحران‌ها، مدیریت بلایا، شورش‌ها و تروریسم**
- عابدی جعفری، حسن و همکاران، (۱۳۹۰)، **تحلیل مضمون و شبکه مضامین ...، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی**، سال پنجم، شماره دوم، صص ۱۵۱-۱۹۸
- هابرماس، یورگن، (۱۳۸۰)، **بحران مشروعیت (تئوری دولت سرمایه داری مدرن)**، ترجمه جهانگیر معینی، تهران، نشر گام نو.
- گل محمدی، حمیدرضا، (۱۳۹۹) **بررسی نقش امام خامنه‌ای در مهار بحران‌های سیاسی و اجتماعی ایران** (۱۳۶۸-۱۳۸۸)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- قائدی، محمد رضا، (۱۳۸۲)، **مؤلفه‌های نظری بحران**، فصلنامه راهبردی، شماره ۲۹، صص ۳۱۷.

- قنبری قلعه رودخانی، فضه، (۱۴۰۱)، فراتحلیل ارتباط رفتارهای رهبری مدیران و فرسودگی شغلی کارکنان سازمان‌های دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، شماره ۳، صص ۳۷۱-۳۸۷
- منصوریان راوندی، فاطمه و همکاران، (۱۳۹۸)، فراتحلیل کیفی اشتغال دانش آموختگان در ایران، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ش ۴۵، صص ۱۴۵-۱۷۲
- مهدی زاده، منصوره، (۱۴۰۱)، فراتحلیل کیفی مقاله های علمی مرتبط با بهره وری اعضای هیئت علمی در ایران، نامه آموزش عالی، ۱۵، صص ۳۱-۵۲
- یوسفی رامندی، رسول، (۱۳۹۸)، طراحی الگوی راهبردی مدیریت بحران امنیتی مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری، فصلنامه مدیریت بحران، سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۳۴-۷.
- Meis, M. (2017), When is a Conflict a Crisis?, on the Aesthetics of the Syrian Civil War in a Social Media Context. Media, ware & coflict. 10 (1), 69-86.

